

قرآن در زندگی و فرهنگ عامه

هاجر خاتون قدمی

بها، الدین خرمشاهی، قرآن در زندگی و فرهنگ عامه، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۰

اشاره

این اثر، حاصل تلاش محقق ارجمند، بها، الدین خرمشاهی است که تمدن‌سازی و فرهنگ‌آفرینی قرآن را در عرصه‌های مختلف دانش به تصویر کشیده و با ظرافت نقش و نفوذ قرآن در هنرها، فنون و صنایع ظریف را در معرض خوانندگان قرار داده است.

تمدن‌سازی و فرهنگ‌آفرینی

قرآن

هیچ‌یک از تمدن‌های بزرگ بشری از جمله یونانی، مصری، هندی، چینی، ایرانی و غربی، هم‌چون اسلام و تمدن اسلامی عمیقاً بر مدار و محور یک کتاب (البته مقدس و آسمانی و وحیانی) سامان نیافته است و تا این حد به فرهنگ‌های پیوسته با تمدنش، این‌چنین روایت‌های چندگانه و چندگونه پربار، ژرف و شگرف نبخشیده است؛ بی آن که اهمیت، فرآورد فرهنگ‌های دیگر، به‌ویژه تمدن غربی را

دست کم بگیریم که به مدد علم و فناوری که بخش مهمی از آن را از سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها (از جمله از تمدن یونانی، اسلامی و ایرانی اسلامی) گرفته است و امروزه تمدن پیش‌تاز و شکوفایی است دست کم بگیریم. قرآن سرچشمه فیاض فرهنگ‌آفرین است. قرآن کریم با آن که نه کتاب تاریخ است، نه قصص، با اشاراتی که در آن وجود دارد، منبعی بسیار مهم است برای بررسی‌های تاریخی اقوام پیشین، قوم عرب و پیامبر اسلام (ص)، صحابه، بسیاری از رویدادهای مهم مانند صلح

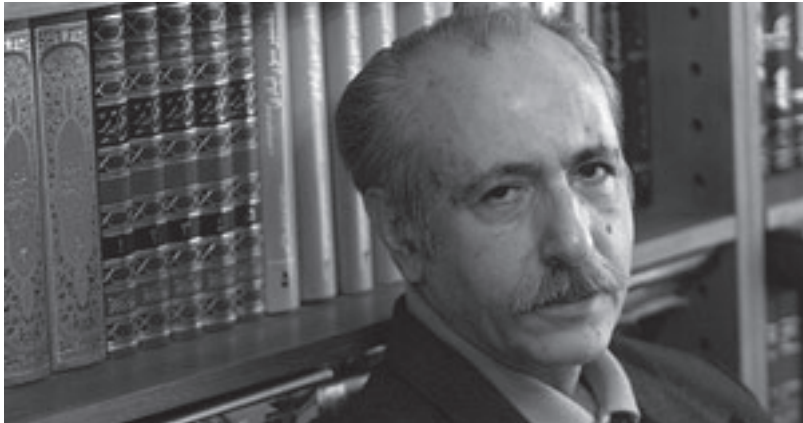


نقش قرآن کریم در جامعه اسلامی ایرانی، از نقش سایر کتاب‌های مقدس در جوامع بشری دیگر، عمیق‌تر و گسترده‌تر است. انسان مسلمان از پیش از تولد، تا پس از وفات در پرتو تقدس قرآن به سر می‌برد.

در کتاب حاضر ابتدا نقش فرهنگ‌آفرینی قرآن و سپس حضور همیشگی آن در حیات فردی و جمعی و فرهنگی و اجتماعی مسلمانان ایرانی بازگفته شده است. علاوه بر علوم قرآنی که برای

درست‌خوانی و درست‌نویسی و آگاهی از تاریخ قرآن و پی‌بردن به اسباب نزول، و شرح و بسط (تفسیر) کلام‌الله پدید آمده؛ علوم اسلامی، به‌ویژه فقه و اصول و کلام و حتی عرفان و حکمت هم الهام گرفته و وام‌گرفته از قرآن است. بخش اعظم این کتاب، به نقش و نفوذ چندین گونه و چندین گانه قرآن در زندگی هر روزه فرد و جامعه انسانی فی‌المثل از نام‌گذاری نوزاد تا دعاها و تعویذها تا نفوذ تعبیرات قرآنی در زبان محاوره فارسی و معرفی نمادها و نهادهای قرآنی که تنوعی شگفت‌آور دارد، می‌پردازد.





هجری علم اصول را مدون کرده‌اند. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت از عقل‌ورزی درباره آیات قرآن به‌ویژه آیات الاحکام (که بیشتر، یعنی بخش اعظم قریب به اتفاق آن در سوره‌های مدنی، یعنی نازل شده در مینه، یا نازل شده در ایام هجرت است) برای تحکیم استنباط یا تدوین قواعد خود، به آیاتی استناد کرده‌اند.

قرآن و حدیث

حدیث جزو نخستین علوم شرعی اسلامی است و فقط علم قرائت قرآن از آن کهن‌تر است. این علم با فقه هم‌عصر و هم‌قدمت است و تاریخ تکوین آن از نظرگاه تشیع از صدر اول اسلام و زمان حیات رسول الله (ص) و یکایک چهارده معصوم (ع) است، یعنی بلاانقطاع از آنان به ما رسیده است. اما از نظر اهل سنت میان خود حدیث و کتابت و نقل مکتوب آن، یک قرن گسست وجود دارد. برای بررسی صحت حدیث، قرآن مهم‌ترین محک ارزیابی است؛ چرا که فریقین قبول دلارند که هیچ حدیثی را که با قرآن تعارض لفظی و معنوی دارد، نمی‌توان صحیح انگاشت و آن‌را منشأ اثر و مبنای عمل قرار داد.

قرآن و کلام

علم کلام متکفل بحث عقلی و استدلال در مفهوم یا مقبول‌سازی اقلام ایمان و دفاع از انتقادهای شکاکان یا منکران است. در قرآن کریم که مانند سایر کتاب آسمانی و قدسی، در آن حتی برای مهم‌ترین موضوع ایمان، یعنی وجود خداوند، استدلال‌های عقلی فلسفی صورت نگرفته، گاه برای اصول عقایدی چون توحید و معاد استدلال‌های نیرومندی شده است.

قرآن و فلسفه

دعوت قرآن، دعوت به عقل‌ورزی آزاد، با قطع نظر از نتایجش نیست. با وجود تفاوت رهیافت و رویکرد فلسفی و

حدیبیه، بیان رویدادهایی چون هجرت، آشتی دو قوم اوس و خزرج، یاری اهالی مدینه به مسلمانان مهاجر، پیمان برادری بستن میان مسلمانان، و ده‌ها رویداد تاریخی و تاریخ‌ساز دیگر.

قرآن و جغرافیا

در قرآن دعوت و توصیه به سیر و سفر در روی زمین به قصد دیدن حاصل کار و کارنامه پیشینیان یا تماشا و تأمل در آثار نعمت‌های الهی و شگفتی‌های آفرینش بسیار است. طبیعت و آثار آن در قرآن، از منظری الهی تصویر شده است. گفتنی است که از اعلام و اماکن جغرافیایی بسیاری نیز در قرآن کریم به تصریح یا اشاره سخن رفته است. از جمله رود نیل، بحر احمر، شهرهایی چون مکه مدینه، ام‌القری، بیت‌المقدس و ... و چه بسیار نکات دیگر.

قرآن و نجوم

در قرآن کریم به صراحت آمده است که آفرینش آسمان‌ها، عظیم‌تر است. سپس خورشید و ماه با زیباترین تعبیرات توصیف‌هایی شده‌اند. در قرآن به آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه اشاره شده است.

به زعم نگارنده، اگر در قرآن به آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه اشاره شده است، لزوماً دال بر تأیید هیئت بطلمیوسی و زمین‌مرکزی نیست، وی سه دلیل در توجیه بیان خود در کتاب می‌آورد. گفتنی است، مورخان علم پیشرفت شگرف مسلمانان را در هیئت و نجوم، را ناشی از اشارات مکرر و متنوع قرآنی به پدیده‌های نجومی می‌دانند.

قرآن و فقه

در حدود یک دوازدهم قرآن کریم را آیات فقهی (که مجموعاً مبنای فقه‌القرآن را تشکیل می‌دهند)، یعنی قریب به پانصد آیه درباره انواع احکام فقهی و روشن‌سازی تکلیف شرعی مردم بر وفق احکام خمسسه تکلیفیه (واجبات، محرّمات، مستحبات، مکروهات، مباحات) تشکیل می‌دهند.

باید دانست با همه صراحت اعجازین بیان قرآنی، استنباط احکام فقهی، وابسته به بسیاری دانش‌هاست که عملاً تا کسی به اجتهاد (بلوغ علمی در علوم اسلامی تا حدی که استاد یا استادنش، بر آن صحنه بگذارند و گواهی بنویسند) نرسیده باشد، حق استنباط احکام را ندارند؛ مگر عامل به احتیاط باشد و پایگاهی در علوم شرعی حاصل کرده باشد.

قرآن و اصول فقه

فقه‌های فریقین (اهل تشیع و تسنن) با استناد به بعضی آیات روش‌شناسانه قرآن کریم، به تدریج و تا قرن چهارم



دینی به مسائل اعتقادی یا فلسفی، در قرآن کریم آیاتی که در اندیشه فلسفی و فلاسفه اسلامی مؤثر بوده‌اند، کم نیست.

قرآن و عرفان

عرفان با دین یک شباهت عظیم دارد و آن، توجه یافتن به این حقیقت است که هستی واقعی فقط یکی است و آن هم ذات «اول و آخر و ظاهر و باطن» خداوند است. در عرفان، آفرینش، به صورت خلق از عدم نیست، بلکه به فیض و تجلی است. اهل عرفان بیش از اهل ادیان یا همان اندازه، ولی تأویلی‌تر، به اسماء‌الله و شرح آن‌ها می‌پردازند. در قرآن کریم بیش از ۹۹ اسم حسنی الاهی اشاره شده است و چه بسیار تفسیرهای عرفانی از سفیان ثوری تا ابوالفضل میبیدی و سلطان‌علی‌شاه گنابادی بر قرآن کریم نوشته شده است که از ذخایر میراث فرهنگی ما است.

قرآن و اخلاق

بین اخلاق و قرآن و حتی اسلام و حتی دین به‌طور کلی، پیوند ژرفاژرف و تنگاتنگ برقرار است. حتی بدان‌جا می‌توان فرلرفت و گفت دین با همه نورانیت و قدسیتش، در خدمت استکمال اخلاقی انسان‌ها است. ایزوتسو، اسلام‌شناس و قرآن‌ناس معاصر ژاپنی، در یکی از چند کتاب قرآن‌پژوهانه خود می‌گوید که در قرآن، احکام شرعی با احکام اخلاقی در هم سرشته شده است.

علوم قرآنی

علوم قرآنی، از برجسته‌ترین نمونه‌ها و مصادیق علوم شرعی اسلامی است که تاریخ تأسیس آن از همان عهد نزول قرآن است. از علوم قرآنی می‌توان به علم غریب‌القرآن، شناخت مکی و مدنی، علم اسباب نزول، علم وقف و ابتداء، تاریخ قرآن، علم شناخت ناسخ و منسوخ، ترجمه قرآن ... اشاره کرد.

نقش و نفوذ قرآن در هنرها و فنون و صنایع

ظریف

با توجه به تاریخ درخشان هنرهای اسلامی، اعم از قدسی و عرفی، به این نتیجه می‌رسیم که شایعه سردمهری اسلام و قرآن با هنر صحت ندارد. واقعیت مهمی که نباید از یاد برد، این است که خود قرآن کریم، قطع نظر نامعتقدان به آن، اثر هنری زبانی - ادبی سترگی است و به نقش و نفوذ وصف‌ناپذیر و بسیار ژرف و گسترده آن در فرهنگ‌آفرینی از یک‌سو، و در زبان و ادب کشورهای اسلامی از دیگر سو اشاره شد.

قرائت قرآن و موسیقی / خوش خوانی قرآن

حدیسی به این مضمون وجود دارد: زیّنوا القرآن بالصّوت الحسن (قرائت قرآن را به خوشی خوانی خود بیارید). البته تعداد این‌گونه احادیث در تشویق به خوش خوانی قرآن کم نیست و در مجموعه‌های حدیث و سیره نامه‌ها آمده است که عبدالله بن مسعود، به لحن و صوت دلکشی قرآن می‌خواند و گاه حضرت از او می‌خواستند که آیاتی از قرآن برایشان خوش خوانی کند. اولین و بزرگ‌ترین معلم درست‌خوانی قرآن در تاریخ اسلام و قرآن، خود حضرت ختمی مرتبت بودند. حضرت امیرالمومنین علی (ع)، نخستین و بزرگ‌ترین آموزنده قرآن در چنین مکتب والایی بوده است که بزرگانی چون عبدالله بن عباس و مجاهد بن جبر و بسیاری از صحابه دیگر شاگرد حضرت یا مسن‌ترها مستقیماً شاگرد مکتب تعلیم قرائت و تفسیر خود رسول اکرم (ص) بوده‌اند، که به یکی از برجسته‌ترین آن‌ها یعنی عبدالله بن مسعود اشاره کردیم. در تاریخ اسلام که قرآن کانون و سلسله جنیان عظیم تمدن‌سازی و فرهنگ‌آفرینی و الهام‌بخشی تأسیس و تدوین علوم مختلف بوده است، وقتی به تاریخ آموزش توجه می‌کنیم، می‌بینیم که آموزش قرآن، جزو اصلی‌ترین و نخستین مواد درسی و آموزشی بوده است و برای این کار از سوره‌های خوش‌نوا و کوتاه مکی و

جزء آخر که به جزء عم = عمّ جزء / جزو معروف است آغاز می‌کرده‌اند. چنان‌که اشاره شد بعد از آن که

در قرون دوم و سوم، رسم الخط عثمانی و لایتغیر قرآنی، نقطه، نشان، حرکت، علایم سجاوندی، وقف و ابتداء، و نظایر آن را پیدا کرد، برای تسهیل خواندن به تقسیماتی منقسم شد. کل قرآن به سی جزء تقسیم شده است، مصاحف خاصی به نام «شصت پاره» یا «صد و بیست پاره» برای آسانی قرائت در یک وعده پدید آمد و هر بخشی طبعاً صحافی مستقل دارد. البته مصاحف سی پاره، به‌ویژه در میان مسلمانان شبه قاره هند متداول است. تقسیم دیگر قرآن به پنج آیه است که این عمل را تخمیس و یا به ده آیه است که آنرا تشعیر، می‌گویند. شیعه و اهل سنت معتقد به ضرورت و وجوب قرائت فاتحه‌الکتاب در هر نماز واجب و مستحب هستند و مستند هر دو حدیث لا صلوة إلا بفاتحة الكتاب است، اما شیعه قرائت فاتحه، روا می‌دانند. در رکعت دوم هر نماز شیعه قائل است که باید یک سوره کامل خوانده شود و اهل سنت در عین رواشماری این شیوه معتقدند که شاید به استناد فاقرووا ما تیسر من القرآن ... (مزمّل، ۲۰) نیز برای آن که مسلمانان به این نحوه و آهسته - پیوسته تشویق به بازخوانی دوره‌وار و در نهایت حفظ کل قرآن شوند، قرائت یک «رکوع» از رکوعات قرآنی را در عمل ارجح دانسته‌اند. از بعضی آیات قرآنی استنباط می‌شود که قرائت و آشکارا خواندن قرآن بر همگان و شیوا خوانی آن، بدون شتاب، بر حضرت ختمی مرتبت واجب بوده، اما مانند شب فقط بر ایشان واجب بوده است. به این شرح که ابتدا بر حضرت محمد



(ص) باقی می‌ماند. نکته دیگر در مورد قرائت قرآن این است که سوره فاتحه جز آن که خواندنش در نماز واجب است، برای استشفای بیماران هم مرسوم است. یا قرائت آن در مجلسی ختم یا فاتحه‌خوانی رواج دارد. این مجلس یا تزیت، مجلسی است که بازماندگان و دوستان نو در گذشته‌ای برای ذکر خیر از او بزرگداشتش بر پا می‌کنند و چون در این مجلس عمدتاً این سوره خوانده می‌شود، به مجلس فاتحه یا فاتحه‌خوانی مرسوم شده است. وجه تسمیه «ختم» نامیدن آن این است که قرآن‌های سی پاره یا شصت بخشی یا ۱۲۰ پاره بین حاضران، یعنی شرکت‌کنندگان در مجلس تقسیم می‌شود و چون هر کسی بخش مربوط به خود را بخواند، در واقع دست کم یک دور ختم قرائت تمام قرآن تحقق می‌یابد. آری صوت و لحن یکی از علوم یا فنون هنری و از شاخه‌های تجوید و ترتیل و تلاوت قرآن از مناسبات دستگاه‌های موسیقی با تغنی و تغنیم قرآن بحث می‌شود. این فن با آموزش شفاهی و در عصر جدید با استفاده از رسانه‌هایی مانند کاست و ویدئو تعلیم داده می‌شود. «لحن به بررسی زیباییشناسی آواز تلاوت می‌پردازد، و صوت راجع به» چگونگی تولید صدا و استعداد خنجره و

دستگاه تنفس [و ورزش، پرورش دادن] آن‌هاست

این مسئله با رسانه‌ها و فناوری‌های جدید مانند نوار خوش‌خوانی ارتباط دارد. چنان که از

استادانی چون محمود الحصری، عبدالباسط، شعیح،

بسیونی، ابوالعینین و غلوش که همه استادان خوش‌خوانی و از کشور مصر هستند و از ایرانیان، استاد شهریار پرهیزگار و از جوان‌ترها که قرائت او در صدا و سیما شور بسیاری در جوانان ایرانی برانگیخت، یعنی آقای جواد فروغی که چندین سال پیش از بلوغ، تا کنون که بیش از یک دهه می‌گذرد، یکی از خوش‌لهجه‌ترین و برجسته‌ترین و برجسته‌ترین قاریان ایرانی است، و از نوارها یا لوح فشرده خوش‌خوانی آن‌ها می‌توان نام برد. هم‌چنین از نرم‌افزارهای قرآنی دیگر، کامپیوتر، و قرآن و اینترنت، قرآن و صدای قرآن، یا رادیو قرآن و سیمای قرآن یا شبکه/ برنامه خاصی از تلویزیون که تماماً به بخش و گسترش خوش‌خوانی و سایر کارهای قرآنی می‌پردازد و نیز مسابقات قرائت قرآنی، چه کشوری، چه بین‌المللی با این مسئله ارتباط دارد.

خوشنویسی قرآن کریم

بازنویسی یا کتابت وحی قرآنی از آغاز بعثت حضرت رسول (ص) و نزول وحی، به دستور ایشان و کوشش کاتبان وحی که پیش‌تر اشاره ای به ایشان شد. به مدت ۲۳ سال، یعنی اندکی پیش از وفات حضرت (ص) ادامه داشته و جز یک نسخه اصلی اولی که نزد خود پیامبر (ص) باقی بود و پس از درگذشت ایشان نزد حفصه به ارث یا امانت باقی

ماند، در زمان عثمان نیز که انجمنی به درخواست او از حافظان و کاتبان وحی به سرپرستی زیدبن ثابت مأمور تدوین و بازنگاشت دقیق بر اساس آن نسخه‌ها و سایر نسخه‌ها یا مصاحف شخصی دیگر و گواهی طلبیدن از حافظه حافظان و رعایت همه مراقبت‌های لازم، در سال‌های اولیه خلافت عثمان در ۵ یا ۶ نسخه به خط کوفی، یا احتمال کمتر، نسخ اولیه معروف به نسخ حجازی یا مائل که هر دو، سال‌ها و بلکه دهه‌ها پیش از اسلام در عربستان رواج داشتند. «این دو خود الفبای نبوی و سریانی در حدود یک قرن قبل از تاریخ از تاریخ هجری اقتباس شده است.» امر مسلم این است که مصاحف امام یعنی ۵-۶ نسخه‌ای که هیئت منتخب عثمان به سرپرستی زیدبن ثابت فراهم کرد، خوشنویسی بود. اما این واقعیت هم گفتنی است که خط کوفی با پیچ و خم‌های درباری که دارد، ذاتاً گرافیکی‌ترین خط در میان خطوط کهن است و آن‌چه از صورت کمال‌یافته‌تر، این خط در مصاحف کوفی مکتوب بر پوست در موزه‌ها یا مجموعه‌های قرآنی یا مخازن و کتابخانه‌های پیوسته به مشاهد مشرفه محفوظ مانده، یا تصویر آن‌ها چاپ عکسی به طبع نرسیده تا مبنای

قضاوت صاحب‌دلان باشد، اما همان مقدار که در آثار

و آلبوم‌های مربوط به خوشنویسی قرآن آمده است، کفایت می‌کند. ابن مقله محمدبن علی،

وزیر بعضی از خلفای عباسی، ادیب، خوشنویس شیعی که جان بر سر همین اعتقاد نهاد، سنتاً مبتکر اقلام سته شمرده می‌شود. اگر چه بعضی بر آنند که ابتکار او نه در وضع و استخراج خطوط شش‌گانه، بلکه در هندسه و سامان‌بخشی به آن‌ها بوده، که مدار آن‌ها را بر دایره و سطح و مینا گرفتن الف و بعضی دوایر نهاد بوده است. در تاریخ خوشنویسی قرآن به اقلام مختلف نامبرده که نستعلیق و حتی شکسته نستعلیق را هم باید به آن افزود، چند شخصیت بزرگ که در تاریخ هنر اسلامی جاودانه‌اند، سزاوار نام بردن‌اند، با آن که رعایت ایجاز نمی‌گذارد، به حداقل هم حق آنان گزارده شود، یا حتی توضیحی کوتاه و روشن‌گر درباره کار و کارنامه آنان عرضه گردد. بزرگ‌ترین خوشنویس و تهذیب‌گر هنرمند پس از ابن مقله، ابن بواب است و خوشنویس قرآن‌نگار مهم و معروف دیگر، یاقوت مستعصمی است. از قرآن‌نویسان معاصر احمد سهروردی و پس از او باید از ارغوان کاملی شاگرد یاقوت نام برد و پس از او از ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ نام برد. در سال‌های اخیر از خبره‌ترین مجموعه‌داران مصاحف خطی، خادم و عاشقی بزرگ هنرمندهای قدسی اسلامی، جناب استاد سیدصادق خرازی یک مصحف دیگر به قلم مرحوم نیریزی را بازیابی و با بهترین امکانات چاپی در آلمان به چاپ رساند که روشنی بخش دل و دیده عاشقان هنر قدسی قرآن‌نگاری است؛ و باید با افتخار از هنر مهم تهذیب که نخستین،



بهترین، جدیدترین و پیشرفته‌ترین آن‌ها در تاریخی بیش از هزار سال که عمدتاً در ایران و به دست هنرمندان ایرانی انجام گرفته، انجام گرفته، از پیش از ابن بواب و مخصوصاً خود او گرفته تا استاد بهرام سالکی و طریقی و صفایی و نامور و... یاد کرد. خوب است به چند خوشنویس قرآن نگار در خارج از ایران اشاره کنیم. گفتنی است که خوشنویسان ترک در امپراطوری عثمانی، مصاحف بس ارجمندی نگاشته‌اند. یکی از این قرآن‌های خوش نوشته به قلم مصطفی نظیف مشهور به قدرغه لی، در سال ۱۳۴۳ ش با نظارت شادروان محمود رامیار به طبع رسیده است؛ و پس از او، از خوشنویسان طراز اول امروز ترکیه، استاد حامد الآمدی است، که چندین مصحف به خط نسخ ترکی نوشته است و خوشنویسان دیگر که نگارنده در این کتاب از آن‌ها نام می‌برد.

محراب‌ها از ماده سنگ یا گچ کاری استفاده می‌شده است و موزه‌های جهان غرب غالباً همه یا بخشی از محراب‌های کتیبه‌نگاری شده قرآنی مساجد یا مشاهد مشرفه یا زاویه‌ها یا تکیه‌ها یا سقاخانه‌ها و نظایر آن‌ها را، که از جای جای جهان اسلام به تاراج رفته، و گاه قدمت بیش از هزار ساله دارد، از دلایان خاصی خریداری کرده و در مجموعه خود از نو بر پا داشته‌اند. دنباله این بحث را باید در مظان آن پی گرفت و فقط اشاره می‌کنیم که کتیبه‌های قلم ثلث مسجد گوهر شاد و مشهد رضوی را بایستقر میرزا نگاشته و کتیبه‌های ثلث بخشی از دارالحکومه که امروزه سر در شهربانی قزوین است، به قلم علی‌رضا عباسی است، نیز چند هنرمند دگر که در کتاب به آن اشاره شده است.

قرآن‌های متفاوت

در این قسمت از کتاب نگارنده از قرآن‌های متفاوتی سخن به میان می‌آورد. از جمله نگارش کل قرآن در یک صفحه یا شاید کوچک کردن کتابت صفحه آرای شده قرآن کریم که ابعاد بسیار بزرگ‌تری داشته است، به مدد فیلمبرداری و به چاپ رساندن آن در ابعاد عادی به اندازه قطع باز یک روزنامه یا کوچک‌ترین قرآن جهانی که در اختیار بانوی سریلانکایی مقیم عمان است در ابعاد ۱/۱×۲ سانتی‌متر و قطر آن ۰/۷ سانتی‌متر است. یک هندی مقیم امارات نیز قرآنی به ابعاد $\frac{1}{8} \times \frac{2}{6}$ به قطر ۰/۶ سانتی‌متر دارد؛ و قرآن‌های دیگر که از این دسته می‌باشند.

کتیبه‌نگاری قرآنی

ساده‌ترین و شاید از کهن‌ترین نمونه‌های نگارش کتیبه وار قرآن، نگارش بعضی آیات قرآنی بر روی سنگ قبرها و مخصوصاً مقبره‌های بزرگانی که در صحن مشاهد مشرفه دفن شده‌اند، نظیر مقبره خواجه نصیر الدین طوسی آمده است، اما در عصر جدید به رعایت حرمت قرآن، از نوشتن آیات قرآنی بر روی سنگ قبرها، پرهیز می‌شود؛ مگر بر روی سنگ مزار که مسقف و محفوظ باشد. کتیبه‌نگاری در تاریخ تمدن بشری بس کهن و کتیبه‌پژوهی جزو علمی چون باستان‌شناسی و مدرسان به تاریخ است. از یونان، روم، ایران، مصر باستان و حتی از عربستان و یمن پیش از اسلام کتیبه‌های بسیاری باقی مانده است. در عصر اسلامی نیز کتیبه‌نگاری جزو لاینفک معماری و بناها بوده است و چنان که اشاره شد، در بیرون مدخل و گنبد و مناره‌های مساجد و درون آن‌ها مخصوصاً در اندرونه گنبد و پیرامون محراب، آیات مناسب غالباً به خط نسخ، ثلث و محقق، به دانگ بسیار جلی نوشته و کاشی‌سازی می‌شده است و گاه در پیرامون

نقش و نفوذ قرآن در زندگی روزمره و فرهنگ

عامه

قرآن چنان که گفته شده، و با ذکر شواهدی نشان داده شد و خواهد شد، فقط نقش تمدن‌سازی و آفریدن فرهنگ خاصه ندارد، که البته گستره و ژفای این نقش و نفوذ، در حجمی برابر با یک رساله و کتاب ۳۰۰ - ۴۰۰ صفحه‌ای قابل بیان است. در زندگی روزمره یا زندگی عادی، هم نقش و نفوذ قرآن بس وسیع و عمیق است و این نقش را از همان عصر نزول وحی تا امروز و فردا و فرادهای جهان اسلام و حیات فردی و جمعی مسلمانان ایفا خواهد کرد. ما ایرانیان از معدود کشورهایی بوده‌ایم که با قبول دین و آیین اسلام، زبان خود را حفظ کرده‌ایم، اما این زبان دیگر در میان زبان‌های جهان اسلام با مفردات و ترکیبات عربی آمیخته است. در قرون اولیه پیدایش یا رواج و رسمیت زبان فارسی دری، حدوداً قرن دوم و سوم هجری با آن‌که وام‌گیری واژگان و تعبیرات و عبارات عربی آغاز شده بود، تا قرن پنجم و حتی ششم، افراطی در کاربرد لغات و تعبیرات عربی در اغلب متون نظم و نثر فارسی وجود نداشت. طبعاً میزان واژگان و عبارات عربی در متون مربوط به علوم اسلامی، اعم از عقلی و نقلی، بیشتر بود تا مربوط به ادبیات. از قرن هفتم تا عهد صفویه که در این عهد اخیر بزرگانی چون علامه محمدباقر مجلسی نهضت فارسی‌نویسی را در متون مذهبی و علوم اسلامی هم باب کردند، نثر مصنوع که بهترین نمونه‌هایش ترجمه کلیله و دمنه و سیرت رسول الله ابرقوهی و یکی از اوج‌های هنری و ماندگار گلستان سعدی است و دوران بعد از آن هم نوشته‌های معروفی موجود می‌باشد.

مهم این است که زبان قرآنی و عربی فصاحت، ملاحات، قدرت زبان، رسایی و رسانایی زبان فارسی را در این هزاره و بیشتر افزایش داده است و در بسیار حوزه‌ها از جمله حتی عرفان و دستور زبان و حقوق هنوز اصطلاحات عربی حاکم است.

